سه قول در تفسیر روایت اهل بطن نخله و ترجیح قول ابن عباس

شاگرد: مرحوم مجلسی هم ظاهراً این را برای صاحبه گرفته بودند. در نتیجه‌گیری به صاحبه استشهاد کردند.

استاد: بله، یعنی گفتند اهل بطن نخله به این صورت گفته اند. خودشان دیده بودند. اما با اختلافی که شد و با سائر نقلها باید جمع شود. خیلی مسلم نیست. نقلی که ابن عباس دارد در این کتابها نیامده. قول دوم برای سُدی بود. قرطبی این سه قول را آورده است. می‌گوید سه قول است؛ اول آخر یوم رجب بود. دوم، آخر یوم جمادی الاخره بود. قول سوم برای ابن عباس است که می‌گوید در شب بود. شب شده بود و در شب این اغاره صورت گرفته بود. این قول ابن عباس کاملا با این روایتی که ما از آن بحث می‌کنیم هماهنگ است. توضیحی که مرحوم مجلسی فرمودند در ابهام است. اما قول ابن عباس خیلی روشن است. شب بود، می‌گفتند لیل برای روز قبل است. پس ولو هلال دیده شده، هنوز که شهر حرام داخل نشده است. لذا وقتی فجر طالع شود، تازه ماه رجب می‌آید. حضرت فرمودند «کذبوا». وقتی شب بود و هلال را دیده بودند، می‌گفتند «قد دخل الشهر الحرام». شهر حرام داخل شد. یعنی امشب برای ماه حرام است. این قول ابن عباس با این روایت کاملاً هماهنگ است و هیچ مشکلی ندارد. اتفاقا این روایت عمر بن یزید قول ابن عباس را تأیید می‌کند؛ یعنی اغاره و هجوم آنها در شب بود. اعتبارا هم هجوم به یک چیزی در شب که در حال غفلت هستند خیلی مناسبتر است، نسبت به روزی که چشمشان باز است و دفاع می‌کنند یا فرار می‌کنند. اینها همه شواهدی برای قول ابن عباس است.

شاگرد: در تفسیر مقاتل به این صورت است: «فلما أمسيانا رأيانا هلال رجب، فما ندري أصبانا‌هم في رجب أو في آخر يوم من جمادى الآخرة».

استاد: «اصبانا» یعنی آنها را دیدیم. یعنی به آنها برخورد کردیم. رفته بودند که مترصد شوند و خبر بگیرند، «اصبانا». یعنی دیدیم که دارند می‌آیند. این عبارت شاید بالای ده بار نقل شده است. دُرّ‌المنثور سیوطی را هم آورده‌ام. جمع کردن بین این اقوال عجائب است. همه شأن نزول این آیه شریفه هستند. اصل آن هم معلوم است که متواتر است. اما در خصوصیات آن عجائب است. مسأله تشابک شواهد و موضوع‌محوری در اینجا خیلی مهم است. آن هم از بزرگان موخرین؛ مثل محمد بن اسحاق. هشام کلبی هم یکی از اینها است. به نظرم قول دوم برای هشام کلبی است. ای پسرش محمد بن هشام.

35:58

ببینید چطور جور در می‌آید که ما امروز اصابه کردیم و درگیری صورت گرفت؟ «امسینا رایان الهلال»، این چه مشکلی دارد؟ یعنی روز گذشته برای هلال می‌شود؟ امشب آن را دیدیم؟

شاگرد: مثلاً ماه تطوق داشته که به شک افتاده‌اند.

شاگرد۲: اعتقادشان این بوده که روزی که جنگ کردیم ملحق به شب است. روز جنگ کردیم و شب دیدیم. روزی که جنگ کردیم برای رجب بود.

استاد: هلال ماه را که عصر نمی‌بینند.

شاگرد۲: شبش دیدند.

استاد: امروز جمادی بود و شبش هلال را دیدند. این شب هم جمادی است. اما نه اینکه امروز هم رجب است.

شاگرد۲: دیشب دیدیم و رجب شد. روز قبل هم ملحق به این شب است.

استاد: اگر روز شب ملحق به این شب باشد، پس ماه که بیست و هشت روز می‌شود.

شاگرد: احتمالش هست که آنها بعد از زوال دیده باشند؟

استاد: بله، آن احتمالی است که بعداً برای امسینا عرض می‌کنم. فعلاً ظاهر «امسینا» همان رؤیت در وقت غروب است. احتمال اینکه «امسینا» به‌معنای بعد از ظهر باشد، احتمال ضعیفی است. ولی آن را در مباحثه عرض می‌کنم. ولو احتمال ضعیفی است اما باید همه جوانب آن در نظر گرفته بشود.

بازبینی #1
ایجاد شده 14 مه 2026 12:25:34 توسط ... .
به روزرسانی شده 14 مه 2026 12:33:20 توسط ... .